**( 27 )**

**بنام انکه بیم از اوست و امید از او**

نخستین گفتار کردگار اینست با سینه پاک از خواهش و آلایش و دل پاکیزه از رنگهای آفرینش پیش دانا و بینا و توانا بیائید و آنچه سزاوار روز اوست بیارید امروز روز دیدار است چه که یزدان بی پرده پدیدار و آشکار بجان پاک بشتابید شاید برسید و بآنچه سزاوار است پی برید از آب پرهیزکاری خود را از آز و کردارهای ناشایسته پاک نمائید تا راز روز بی‌ نیاز را بیابید روشنی نخستین در روز پسین پدیدار بسه چیز دیدار دست دهد و رستگاری پدیدار شود پاکی دل و دیده و پاکی گوش از آنچه شنیده بگو ایدوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار راه راه اوست بیابید و گفتار گفتار اوست بشنوید امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و بخود راه مینماید جوانمرد انکه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت ایدوستان دست توانای یزدان پردهای گمان را درید تا چشم به بیند و گوش از شنیدن باز نماند امروز روز شنیدن است بشنوید گفتار دوست یکتا را و بآنچه سزاوار است رفتار نمائید از گفتار پارسی بگفتار تازی آغاز نمودیم

یا ایها المقبل اسمع الندآء انه ارتفع فی سجن عکآء و یدع العباد الی الله مالک الایجاد تفکر فیما ظهر لتری ما لا رأت عین الابداع ان ربک هو العزیز الفضال ایاک ان یمنعک ما فی العالم عن مالک القدم دع الظنون و مظاهرها و الاوهام و مشارقها مقبلا الی الله مالک المبدء و المآب هذا یوم البصر لان المنظر الاکبر تشرف بانوار ظهور مالک القدر الذی اتی من سمآء البیان بالحجة و البرهان و هذا یوم السمع قد ارتفع فیه صریر القلم الاعلی بین الارض و السمآء اسمع و قل لک الحمد یا مقصود العالم و لک الثنآء یا مالک الرقاب

یا ایها السائل امروز نور ناطق و نار متکلم و خورشید حقیقی مشرق جهد نما شاید فائز شوی بآنچه سزاوار یوم الله است اگر در آنچه ظاهر شده تفکر نمائی خود را غنی و مستغنی از سؤال مشاهده کنی حق مقدس است از ظنو ن و اوهام و مشیت و اراده انام باعلم یفعل ما یشآء و رایة یحکم ما یرید آمده حجت و برهان فوق مقامات اهل امکان ظاهر فرموده آیاتش در کتب و زبر و الواح موجود و مشهود و بیناتش در سور ملوک و رئیس ظاهر و هویدا لیس لاحد ان یجرب الرب انه یمتحن العباد کیف یشآء اگر فی الحقیقه ببصر انصاف در آنچه ذکر نمودیم مشاهده نمائی و بسمع عدل اصغا کنی بکلمه مبارکه رجعت الیک یا مولی العالم منقطعا عن الامم ناطق شوی بشنو ندای مظلوم را قدم از مقامات و ظنون و اوهام اهل امکان بردار و بر لا مکان گذار لتسمع تغردات طیور العرش و تغنیات عنادل العرفان علی اعلی الاغصان نسئل الله ان یؤیدک و یوفقک علی ما یحب و یرضی انه مولی الوری و رب العرش و الثری لا اله الا هو الفرد الواحد العلیم الحکیم اذا اخذک جذب البیان من الافق الاعلی قل الهی الهی اشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بعزک و عظمتک و سلطانک انا عبدک و ابن عبدک قد اقبلت الیک منقطعا عن دونک و راجیا بدآئع فضلک اسئلک بامطار سحاب سمآء کرمک و باسرار کتابک ان تؤیدنی علی ما تحب و ترضی ای رب هذا عبد اعرض عن الاوهام مقبلا الی افق الایقان و قام لدی باب فضلک و فوض الامور الیک و توکل علیک فافعل به ما ینبغی لسمآء جودک و بحر کرمک انک انت المقتدر العلیم الحکیم اشهد یا الهی بانک اعلم بی منی قدر لی ما یقربنی الیک و ینفعنی فی الآخرة و الاولی انک انت مولی الوری و فی قبضتک زمام الفضل و العطآء لا اله الا انت الفضال الکریم البهآء علی اهل البهآء الذین ما منعتهم ضوضاء الامم عن مالک القدم قاموا و قالوا الله ربنا و رب العرش العظیم